**رساله ای خطی در حکومت و ریاست**

**نويسنده : کاظمی موسوی، سید احمد**

در کتابخانه «مؤسسه بین‏المللى اندیشه و تمدّن اسلامى» در کوآلالامپور (مالزى) یک مجموعه از تصانیف مُهذّب‏الدین احمد بن عبدالرضا البصرى (ف . 1094 هجرى) به خطّ مؤلّف موجود است که تاکنون در جایى معرّفى نشده است. این مجموعه داراى یک رساله در حکومت و ریاست است که راه و روال گفتگوهاى فقاهتى عصر (اواخر دوره صفوى) را بازمى‏تاباند و به نظر نمى‏رسد که علما و فقهاى بعدى به متن این رساله دسترسى یافته و از مندرجات آن آگاه شده باشند. این رساله در گجرات هند نوشته شده و جزء مجموعه مصنّفات مهذّب‏الدین به حیدرآباد دکن و از آنجا به کتابخانه بارکز و سرانجام به مالزى انتقال یافته است. این مجموعه حاوى رساله‏هاى زیر است:

1) «رسالة فى الحکومة و الرئاسة و شرائطها و لوازمها و رشحةٌ فى الولایة و السلطنة و ضوابطها و حوازیها» (به خط مُصنّف، تاریخ اتمام: ربیع‏الثانى 1084 ه ).

2) «رسالة فى بعض مشکلات الصحیفة الکاملة» (به خط مصنف، به مقام حیدرآباد، رجب 1088).

3) «رسالة حبیبة‏الأحباب فى الضرورى من الآداب» (به خط مصنف، به مقام غزنین، 1079 ه ).

4) «منظومه شرح قصیدة تحفة المنطقیة`» (به خط مصنّف).

از این مصنّف مجموعه دیگرى در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد دکن موجود است.

شیخ آقابزرگ تهرانى در طبقات الأعلام (قرن حادى‏عشر) به نقل از نجوم‏السماء و تذکرة‏العُلماء مصنّف را چنین معرفى مى‏کند: «وى از شاگردان برجسته الحُر العاملى (ف . 1104 ه) بوده و کتابهاى المنهاج‏القویم و رسالة‏التجوید و فائق‏المقال فى علم‏الرجال را در سال 1085 در حیدرآباد نوشته است». شیخ آقابزرگ آنگاه اضافه مى‏کند: «برخى نوشته‏هایش در کتابخانه الهادى بن عباس آل‏کاشف الغطاء در نجف موجود است و در آغاز همه آنها نوشته شده که مهذّب‏الدین احمد بن عبدالرضا در سال 1068 در مشهد و حومه از نوشتن آنها فراغت یافته است». شیخ آقابزرگ سپس به شرح کتابهایى که وى در مشهد، قندهار و حیدرآباد نوشته مى‏پردازد و در پایان مى‏گوید که همه این نوشته‏ها به سجع و شعر و معمّا آراسته شده و شبیه تصانیف شیخ بهائى‏اند. این نشان مى‏دهد که نویسنده از دانشهاى عصر خود آگاه بوده است.

«رسالة فى الحکومة و الرئاسة» یک جزوه بالنسبه کوتاه (به اندازه «باب تحدید ولایت فقیه» نراقى) است که به شیوه اندرزگویى و نقل حدیث به زبان عربى نوشته شده است. طرز بیان و استدلال نویسنده شکّى در اخبارى بودنش باقى نمى‏گذارد. حکومت را حق پیامبر اکرم و اوصیاء او مى‏داند که در زمان غیبت به نوّاب خاصّ یا عامّ امام (ع) مى‏رسد. مؤلّف ارتباط داشتن با حکومتى را که از راه زور مستولى شده، فقط در چهارچوب «ضرورت و تقیّه» مجاز مى‏شمارد، و کار کردن براى حکومت را تنها در صورتى پذیرفته مى‏داند که امر به معروف و نهى از منکرى در میان باشد. نویسنده از نکوهش علمایى که با دربار سلاطین سر و کار داشته‏اند خوددارى نمى‏کند. از شیخ بهائى و سیّد مرتضى و شیخ صفى‏الدین حلّى مشخصا نام مى‏برد، ولى نه به زشتى. نویسنده گاه اندیشه خود را به شعر فارسى بیان مى‏کند:

|  |  |
| --- | --- |
| عجب دارم ز اهل علم کایشان  | چرا غافل شوند از راه سالک  |
| کشانند ثوب حرص و آز دائم  | به‏سوى خوف و جاهاى مهالک  |
| کنند آمد شد اندر روز و در شب  | به نزد شاه و سلطان ممالک  |
| به گرد ظالمان گردند ایشان  | چوحاجى درحرم وقت مناسک  |

در پایان مى‏گوید که این رساله را در گجرات هند در ماه چهارم سال 1094 نوشته است.

نوع روایاتى که نویسنده در این رساله به آنها استناد مى‏کند، همان روایاتى است که دو قرن بعد ملا احمد نراقى (ف . 1245 ه) در عوائدالأیام جمع‏آورى کرده؛ منتها نراقى ادّعا مى‏کند که پیش از وى هیچ‏یک از علما روایات را بدین‏گونه جمع نکرده‏اند. البته آن‏طور که از بین‏السطور نوشته نراقى برمى‏آید وى نظر به کارهاى شیخ جعفر نجفى کاشف‏الغطاء (ف . 1227 ه ) بویژه رساله الحقّ المبین او داشته است. با این‏همه چنانچه نراقى رساله مهذّب‏الدین را دیده بود، نحوه ادّعایش تغییر مى‏کرد.

لازم به یادآورى است که شیخ مهذّب‏الدین در نقل احادیث، نظم و ترتیب نراقى را ندارد؛ بلکه شیوه بیان او اندرزگونه و همراه با شعر و لطیفه است. از آوردن روایات مربوط به رفع ظلم و ستم درباب حکومت و ولایت نیز خوددارى نمى‏ورزد، و مآخذ روایات خود را ذکر نمى‏کند. تکیه اصلى وى بر حکومت عادله است بدون آنکه در چگونگى حکومت نوّاب امام سخنى گفته باشد. این نکته مُؤیّد استنباط مرحوم آیة‏الله آقا مهدى حائرى در کتاب حکمت و حکومت است مبنى بر اینکه علماى عصر صفوى و قاجار در نوشتن «باب ولایت فقیه» نظر بر اقامه عدل و رفع ظلم حکومتگران داشته‏اند نه آنکه حکومت را مختص افراد مخصوصى کرده باشند.

این رساله اینک در دست تصحیح است و در آینده از سوى «مؤسسه اندیشه و تمدّن اسلامى» منتشر خواهد شد.